

۲ قتل و یک گروگانگیری روی میز قضات جنایی**پشت پرده مخوف****خانه باغ سعادت آباد**

نکته‌های خانه‌باغی در سعادت‌آباد با شلیک گلوله مرد جوانی را به قتل رساند و حالا داستان‌سرایی‌های عجیبی می‌کند. برادر این قاتل نیز با ادعاهای عجیبی پرده از راز قتل دختری ناشناس برداشته است که برادرش او را کشته و دفن کرده است.

جنایت در خانه باغ سعادت‌آباد

ساعت ۹ شب ۱۱ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ صدای شلیک چند گلوله از داخل خانه‌باغی در سعادت‌آباد شنیده شد، همسایه‌ها با شنیدن صدای شلیک گلوله‌های پیاپی با پلیس تماس گرفتند و مأموران بلافاصله پیگیر ماجرا شدند. در بررسی‌ها روشن شد در درگیری که در خانه باغ رخ داده است، یک مرد ۳۵ ساله به نام سپهر کشته شده و دو دوستش به نام‌های شاهین و صدرا زخمی شده‌اند.

جسد سپهر که با شلیک چهار گلوله به شکمش از پای درآمده بود با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و او

و دوستش نیز برای درمان به بیمارستان منتقل شدند.

شاهین گفت: سهر به ما گفته بود خانه باغ متعلق به مادر بزرگش است که مدتی خالی از سکنه شده است. به همین خاطر چند معتاب به آنجا رفت و آمد دارند و از من و صدرا خواست تا شبانه به آنجا برویم و معتاب‌ها را بیرون کنیم اما به محض اینکه به آنجا رسیدیم، مردی به نام نیما چند گلوله به سمت ما شلیک کرد. گلوله‌ها به پای من و صدرا برخورد کرد و روی زمین افتادیم. همان موقع سپهر را دیدیم که چند گلوله به شکمش خورده و دیگر نفس نمی‌کشد. ما فریاد کشیدیم و دوستان را مقابل در رساندیم که همسایه‌ها سراسر رسیدند.

صدرا نیز در بازجویی‌ها اظهارات شاهین را تأیید کرد. بدین ترتیب نیما ۳۷ ساله که مدعی بود نکهان خانه باغ است و خودش نیز در این ماجرا زخمی شده بود تحت بازجویی قرار گرفت.

در دادگاه خانواده تهران رخ داد**التماس‌های نوعروس برای طلاق نگر فتن از داماد**

ناهید پروزی / دخالت‌های مادرشوهر باعث شده بود تا نوعروس جوان قبل از اینکه زندگی مشترکش را آغاز کند، برای جدایی راهی دادگاه خانواده شود.

دخالت‌های بی‌جای مادرشوهر کافی بود تا نوعروس جوان در راهروی دادگاه خانواده آواره و سرگردان باشد و پله‌های مجتمع قضایی را پایین و بالا نهد تا بلکه روزنه‌امیدی را برای رهایی از طلاق پیدا کند.

وقتی وارد راهروهای دادگاه خانواده می‌شویم، زن‌هایی که سفره دلشان را باز می‌کنند اولین حرفشان کتک خوردن از همسرانشان است. نوعروس جوانی روی مندی نشسته بود، در حالی که نگرانی در چهره‌اش موج می‌زد، کنارش نشستم نگاهی به او کردم، زیر لب ذکری را زمزمه می‌کرد.

سرس صحبت را با او باز کردم، این زن ابتدا مکث کوتاهی کرد و گفت از کجای زندگی‌ام برایت بگویم و خلاصه شروع به گفتن داستان زندگی‌اش کرد.

مدتی پیش یکی از اقوام دورشان برای پسرش که در یک شرکت پخش مواد غذایی کار می‌کند به خواستگاری‌اش رفتند و پس از توافق خانواده‌ها پای سفره عقد نشستند.

این زن جوان هرازگاهی بغضش را قورت می‌داد و با گوشه روسری‌اش اشک‌هایش را پاک می‌کرد. سابقه آشنایی هېزاد و آرزو به ۸ ماه پیش برمی‌گشت. آرزو یک خانواده سنتی داشت، نمی‌توانست بدون مهر شدن برای شناخت بیشتر با بهزاد ادامه دهد، بنابراین یک هفته بعد از خواستگاری و توافق خانواده‌ها جشن عقد برگزار شد.

این در حالی بود که دنیای خانوادگی و سبک زندگی این زوج جوان بسیار متفاوت بود، چرا که یکی در قید و بند رسم و رسوم سنتی و دیگری بی‌اعتنا به آداب مرسوم بود. یکی خانواده مرفه و دیگری در محله‌ای معمولی ساکن بود و... با این حال آرزو با ۱۴۴ اسکنه بهار آزادی به عقد بهزاد درآمد.

سرانجام با گذشت ۸ ماه از مراسم عقد نوعروس جوان در حالی که زندگی مشترک را شروع نکرده بود، با چشمانی اشکبار راهی شعبه ۲۸۵ دادگاه خانواده شماره ۲ ولنجک شد و وقتی پیش روی قاضی کنجی قرار گرفت، آه سردی کشید و گفت: کارشناس ارشد زبان انگلیسی هستم و در یک آموزشگاه خصوصی تدریس می‌کنم، هنوز زندگی را آغاز نکرده‌ام، همسرم دادخواست طلاق داده است. این زن ادامه داد: بهزاد روز اولی که به خواستگاری‌ام آمد، با توجه به موقعیت شغلی‌ام همان ابتدا به او گفتم که من در میهمانی‌های خانوادگی نمی‌توانم خیلی او را همراهی کنم، وی نیز پذیرفت. اما مادرشوهرم در زندگی ما خیلی دخالت می‌کند اصرار دارد که در همه میهمانی‌ها، من حضور داشته باشم درصورتی که شرایط کاری من اجازه نمی‌دهد همه جا آنها را همراهی کنم و بارها در این باره به همسرم و حتی مادرشوهرم توضیح داده‌ام.

آقای قاضی همسرم مرد دهن‌بینی است و هرچه خانواده‌اش به او دیکته کنند همان را انجام می‌دهد خودش قادر به تصمیم‌گیری در زندگی نیست. مطمئن هستم که دادخواست طلاق نیزخواسته مادرش است نه خودش!

متأسفانه دخالت‌های مادرشوهرم باعث شده که زندگی ما در آستانه فروپاشی قرار گیرد، این در حالی است که من همسرم را دوست دارم و به هیچ عنوان حاضر به جدایی نیستم ولی همسرم اراده‌ای از خودش ندارد و به همین خاطر مادرشوهرم مدام در زندگی‌مان دخالت می‌کند. از رفتارهای مادرشوهرم خسته شده‌ام و بارها در جمع خانوادگی به من توهین و فحاشی کرده و ناسزا گفته است. اما من برای مادرشوهرم احترام و ارزش قائل هستم و نمی‌توانم به او حرفی بزنم.

این نوعروس جوان درحالی که اشک می‌ریخت، برخلاف خیلی از زن‌های دیگر به قاضی پرونده‌شان التماس کرد تا مانع طلاق آنها شود. قاضی کنجی وقتی با اصرارهای این ناز عروس جوان روبه‌رو شد او را به آرامش دعوت کرد و قول داد که در جلسه بعدی این زوج جوان را آشتی دهد.



وی گفت: دو سال است که نکهان خانه باغ هستیم. مدتی قبل صاحبخانه باغ، یک کلت کمتری در احتیاطم قرار داد تا اگر لازم شد برای دفاع از خودم از آن استفاده کنم. ساعت ۹ شب بود که سه مرد ناشناس وارد خانه باغ شدند. آنها به سمتم حمله کردند و مرا بشدت کتک زدند. حتی چند ضربه چاقو به سر و گردنم خورد. آنها می‌خواستند گوشی موبایلم را بدزدند، به همین خاطر برای دفاع از خودم تفنگ کشیدم و برای ترساندنشان شلیک کردم. سه تیر به دیوار برخورد کرد اما باقی تیرها ناخواسته به آنها خورد و موجب مرگ سپهر شد.

آدم ربایی مسلحانه

وی در بخش دیگری از تحقیقات، ادعای دیگری را مطرح کرد و گفت:

کلتی که با آن شلیک کردم متعلق به سارقان بود. سه مرد ناشناس که به خانه باغ حمله‌ور شده بودند با خود تفنگ داشتند. من توانستم در

یک لحظه کلت را از آنها بگیرم و به سمت‌شان شلیک کنم. من اصلاً آنها را نمی‌شناختم.

بررسی‌ها سوابق نیما نشان می‌داد وی که سابقه سرقت مسلحانه دارد و چهار ماه است از زندان آزاد شده به احتمال فراوان درباره انگیزه درگیری، حقیقت را

پنهان می‌کند.

در این میان مردی افغانستانی به پلیس آگاهی مراجعه و از نیما شکایتی را مطرح کرد. وی گفت: من به تازگی متوجه شده‌ام که نیما باداشت شده است. او مدتی قبل با همدستی

یکی از دوستانش مرا ربود. او مرا به صندوق عقب ماشین انداخت و کلید انبار صاحبکارم را به زور از من گرفت تا از آنجا سرقت کند. از ترسم از او شکایت نکردم، اما حالا از او شکایت هستم.

قتل دختر ناشناس

در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد نیما سوابق زیادی دارد بردارش اظهارات عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: برادرم مدتی قبل دختر جوانی را کشته و جسد او را دفن کرده است. من مدتی است این راز را در دل پنهان نگه داشته‌ام، اما حالا می‌خواهم حقیقت را بگویم.

با این ادعا بار دیگر نیما تحت بازجویی قرار گرفت اما مدعی شد برادرش به شیشه معتاب است و در توهم شیشه‌ای مرتکب هیچ قتلی نشده است.

چنین ادعایی را مطرح کرده است و او مرتکب هیچ قتلی نشده است. پرونده جنایت در خانه باغ سعادت‌آباد با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بزودی به آن رسیدگی شود. این در حالی است که با دستور قضایی قرار است تحقیقات درباره ادعای برادر متهم مبنی بر قتل دختر جوان تکمیل شود.

سقوط مرگبار از طبقه هشتم

در بیمارستان سینا شاهد آن هستیم و به صورت متوسط سالانه نزدیک به ۱۵۰ مورد از این اتفاقات تنها برای بیمارستان سینا گزارش و مراجعه می‌شود که با یک برآورد کلی در تهران و حتی کشور به رقم‌های فاجعه‌باری دست می‌یابیم.

رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا با اشاره به تجربیات کشورهای مجاور از جمله ترکیه و امارات متحده عربی در این خصوص، تصریح کرد: به طور مثال در کشوری مانند امارات سنخنگیری‌ها در خصوص رعایت ضوابط ساختمانی به قدری شدید است که اکنون تعداد حوادث ساختمانی در امارات نزدیک به صفر می‌رسد.

کرمانیپور با بیان اینکه رعایت ضوابط و مقررات ایمنی باید به یک فرهنگ از سوی کارگران به ویژه کارگران ساختمانی تبدیل شود، تأکید کرد: رعایت ایمنی می‌تواند سالانه از وقوع حوادث منجر به مرگ بسیاری در این زمینه پیشگیری کند. وی یادآور شد: بیستن کمربند ایمنی در بلندی‌ها و استفاده از کلاه ایمنی حداقل اقدامی است که در بسیاری از کشورهای منطقه توسط کارگران رعایت می‌شود و دولت‌ها نیز بر این امر نظارت دارند اما با توجه به وجود قوانین محکم در این خصوص نه شاهد رعایتی از سوی کارگران و نه شاهد نظارتی از سوی نهادهای متولی ایمنی کار هستیم.

رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا گفت: متأسفانه اتباع افغانستانی که به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند وقتی که دچار چنین حوادثی می‌شوند از امکانات بیمه‌ای نیز بهره‌ر نمی‌برند و این بسیار ناراحت‌کننده است که حتماً باید برای آن چاره‌اندیشی شود.

آبدین رزاقی / رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا گفت: به صورت متوسط سالانه نزدیک به ۱۵۰ مورد سقوط تنها برای بیمارستان سینا گزارش و مراجعه می‌شود که با یک برآورد کلی در تهران و حتی کشور به رقم‌های فاجعه‌باری دست می‌یابیم.

رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران»، دکتر حسین کرمانپور، رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا در تکیه و امارات متحده عربی در این خصوص، تصریح کرد: به طور مثال در کشوری مانند امارات سنخنگیری‌ها در خصوص رعایت ضوابط ساختمانی به قدری شدید است که اکنون تعداد حوادث ساختمانی در امارات نزدیک به صفر می‌رسد.

کرمانیپور با بیان اینکه رعایت ضوابط و مقررات ایمنی باید به یک فرهنگ از سوی کارگران به ویژه کارگران ساختمانی تبدیل شود، تأکید کرد: رعایت ایمنی می‌تواند سالانه از وقوع حوادث منجر به مرگ بسیاری در این زمینه پیشگیری کند. وی یادآور شد: بیستن کمربند ایمنی در بلندی‌ها و استفاده از کلاه ایمنی حداقل اقدامی است که در بسیاری از کشورهای منطقه توسط کارگران رعایت می‌شود و دولت‌ها نیز بر این امر نظارت دارند اما با توجه به وجود قوانین محکم در این خصوص نه شاهد رعایتی از سوی کارگران و نه شاهد نظارتی از سوی نهادهای متولی ایمنی کار هستیم.

رئیس بخش اورژانس بیمارستان سینا گفت: متأسفانه اتباع افغانستانی که به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند وقتی که دچار چنین حوادثی می‌شوند از امکانات بیمه‌ای نیز بهره‌ر نمی‌برند و این بسیار ناراحت‌کننده است که حتماً باید برای آن چاره‌اندیشی شود.

کینه آتشین ۲ برادر در شمال تهران

۲ برادر در شمال تهران در اقدامی آتشین مغازه مرد جوان را به آتش کشیدند. سرهنگ کارآگاه «علی ولیپور گودرزی» رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: با وقوع یک آتش‌سوزی مشکوک در مغازه‌ای در شمال تهران، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی زبده از کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

وی افزود: صاحب این مغازه برای تحقیقات مقدماتی به اداره ۱۶ پلیس آگاهی مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: روز حادثه کارگر مغازه را به من تماس گرفت و مدعی شد، مغازه به دلایل نامشخصی آتش گرفته و تمامی اجناس نیز سوخته است. رئیس پلیس آگاهی پایتخت با بیان اینکه برادر متهم نیز دستگیر شده است، خاطر‌نشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی متهمان برای کشف و روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

۲ برادر در شمال تهران در اقدامی آتشین مغازه مرد جوان را به آتش کشیدند. سرهنگ کارآگاه «علی ولیپور گودرزی» رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: با وقوع یک آتش‌سوزی مشکوک در مغازه‌ای در شمال تهران، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی زبده از کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

وی افزود: صاحب این مغازه برای تحقیقات مقدماتی به اداره ۱۶ پلیس آگاهی مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: روز حادثه کارگر مغازه را به من تماس گرفت و مدعی شد، مغازه به دلایل نامشخصی آتش گرفته و تمامی اجناس نیز سوخته است. رئیس پلیس آگاهی پایتخت با بیان اینکه کارگر مغازه خود در این آتش‌سوزی از ناحیه دست مجروح شده بود، عنوان کرد: کارآگاهان در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین پی‌بردند کارگر جوان از گذشته به دلایل مسائل مالی

اخبار جنایی**قتل هونناک پدر با ضربه پتک پسر**

پسر ۱۸ ساله در اقدامی هونناک با ضربه پتک به سر پدرش دست به قتل زد. سرهنگ غلامرضا هاشمی رئیس پلیس آران و بیدگل گفت: شامگاه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در پی تماس با پلیس ۱۱۰ مبنی بر مرگ مردی در خانه‌اش به سرعت تیمی از مأموران کلانتری و پلیس آگاهی آران و بیدگل در محل حاضر و مشاهده می‌کنند پدر خانواده بر اثر اصابت ضربه شدید به سر فوت کرده است. فرمانده انتظامی شهرستان آران و بیدگل بیان کرد: با ثابت شدن فرضیه قتل، تحقیقات علمی و تخصصی از اعضای خانواده انجام و در نهایت پسر ۱۸ ساله به قتل پدرش با ضربات پتک اعتراف کرد. هاشمی گفت: فرد قاتل در خصوص انگیزه‌اش برای ارتکاب به قتل عنوان کرد که پدرم اعتبار با مواد مخدر داشت و من و مادرم را ازیت می‌کرد، در پی درگیری امروز، من هم پتکی را که روی زمین بود برداشته و بر سرش زدم که بر اثر این ضربه پدرم به زمین افتاد و خون از سرش جاری شد.

پرسه‌های مرموز یک مرد در صحنه رها شدن جسد

بعد از قتل فجع مرد جوان در محله تهرانپارس یک مظنون بازداشت شد. صبح روز نهم اردیبهشت ماه، اهالی خیابان طباطبایی‌نسب محله تهرانپارس، با جسد غرق در خون مرد جوانی مواجه شدند که به طرز هولناکی به قتل رسیده و جسدش در کنار سطل زباله‌ای یک بوستان رها شده بود. بلافاصله تیم جنایی به همراه امیرحسین علیمردان بازپرس کشیک قتل پایتخت برای رسیدگی به موضوع در محل کشف جسد حاضر شدند. بررسی‌های ابتدایی حکایت از این داشت که جوان حدوداً ۲۰ ساله است که با اصابت جسم سخت برنده به سر و صورت و بدنش به طرز فجیحی به قتل رسیده است. در حالی که احتمال می‌رفت این جوان، کارگر ساختمانی‌های نیمه‌کاره باشد بررسی‌ها در ساختمان‌های نیمه‌ساز نزدیک محل کشف جسد آغاز شد که در یک ساختمان مقداری خون کشف شد که خیلی زود مشخص شد که خون ریخته شده در آن محل خون مرغ بوده که کارگران سربریده بودند. با توجه به اینکه هیوت جسد هنوز مشخص نشده و ردی از عامل جنایت در دست نیست، رسیدگی به این پرونده تا روشن شدن راز ماجرا در شعبه دهم دادسرای جنایی تهران در جریان قرار گرفت تا اینکه روز گذشته فردی مظنون به قتل این جوان افغان بازداشت شد، که نقطه‌نزی آژن تلقن همراه نشان می‌دهد در لحظه وقوع قتل او در محل جنایت حضور داشته و همچنین ساعاتی بعد هم در محل رهاسازی جسد بوده است.

درگیری خونین اراذل و اوباش در محله اتابک

در حمله اشترار به چند جوان یکی از آنها به قتل رسید. جمعه شب ۲۲ اردیبهشت اسما ل عددهای اراذل و اوباش در جریان مسائل پیش پا افتاده به عده‌ای جوان حمله کرده و آنها را با قه و چماق مورد ضرب و جرح قرار دادند. اشترار بعد از درگیری از محل حادثه گریختند و مجروحین حادثه به بیمارستان منتقل شدند. تا اینکه غروب روز شنبه یکی از مجروحین به دلیل شدت جراحات وارد شده به کام مرگ فرورفت. به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدجواد شفیعی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تحقیقات جهت یافتن ردی از عاملان جنایت ادامه دارد.

مرگ دلخراش جوان تهرانی در اتوبان سیاد

جسد مرد جوان که با انگیزه نامعلوم به زندگی خود پایان داده بود صبح دیروز در حاشیه اتوبان شهید سیاد شیرازی کشف شد. به گزارش «ایران»، صبح دیروز مأموران شهرداری متوجه مرد جوانی شدند که جنب مترو روی زمین نشسته بود و پلاستیکی روی سرش کشیده بود. در حالی که این مرد حرکتی نمی‌کرد، متوجه شدند او به کام مرگ فرو رفته است و به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار امیرحسین علیمردان بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که این فرد بعد از مصرف قرص با انگیزه پایان دادن به زندگی خود پلاستیکی روی سرش کشیده بود که همین سبب مرگش شده است.

